

Original Article

New Examples of Qazf and its Effects by Unity of Citizenship Charter Criteria in Order to Protect the Dignity of Individuals

Saeed Valavi¹, Mohammad Rasoul Ahangaran^{2*}, Maryam Aghaei Bajestani³

1. Ph.D. Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2. Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran, Farabi Campus, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: ahangaran@ut.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Received: 14 Feb 2019 Accepted: 21 Dec 2020

Abstract

Background and Aim: In Islamic law and subject law, based on the teachings of The Islamic Religion, which is also presented in the Citizenship Charter, the protection of individual and social dignity of individuals has been protected, so according to the Islamic religion such cases are proof of limitations. And our goal is to study new examples of Qazf with the unity of the criteria for citizenship rights.

Materials and Methods: Our method in this paper is descriptive-analytical using the library resources note-taking tool.

Findings: Well-known jurists recognized Qazf with the relevant words as the subject of quorum. By accepting the theory of concept unity and multiplicity of examples, considering the scope of electronic activities and excellence of Qazf concept in cyberspace, it seems necessary to address new examples. All types of online and recorded data, including writing, cartoons, Photoshop, videos, photos and emails, are all examples of modern Qazf.

Conclusion: In this paper, according to the laws of the Special Issue of the Charter of Civil Rights, which protects the sanctity of individuals in the field of electronic Qazf, we will pay attention to the realization of the main pillars of Qazf, giving any sexual relations in cyberspace with an approach based on the law of justice and good will, and if other conditions are met, will prove the limit of Qazf.

Keywords: Justice; Benevolence; Electronic Qazf; Personal Dignity; Citizenship Rights; Traditional Qazf; Commonsense

Please cite this article as: Valavi S, Ahangaran MR, Aghaei Bajestani M. New Examples of Qazf and its Effects by Unity of Citizenship Charter Criteria in Order to Protect the Dignity of Individuals. *Bioethics Journal*, Special Issue on Citizenship Rights, Autumn 2018; 379-393.

جستاری در مصادیق نوین قذف و آثار آن با وحدت ملاک از منشور حقوق شهروندی در راستای حمایت از حرمت اشخاص

سعید ولوی^۱، محمدرسول آهنگران^{۲*}، مریم آقایی بجستانی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: ahangaran@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱

چکیده

زمینه و هدف: در حقوق اسلامی و حقوق موضوعه با تأسی از آموزه‌های دین مبین اسلام که در منشور حقوق شهروندی نیز پیش‌بینی شده است، حفظ حرمت فردی و اجتماعی اشخاص مورد حمایت بوده است. بنابراین طبق دین مبین اسلام دادن نسبت‌های ناروای جنسی از جمله موارد ثبوت حد است و هدف ما نیز بررسی مصادیق نوین قذف با وحدت ملاک از حقوق شهروندی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: روش ما این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از ابزار فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

یافته‌ها: مشهور فقیهان قذف را با الفاظ مربوطه مستوجب حد شناخته‌اند. با پذیرش تئوری وحدت مفهوم و تعدد مصداق و با توجه به گستردگی فعالیت‌های الکترونیکی و فراتر رفتن مفهوم قذف در فضاهای مجازی پرداختن به مصادیق نوین آن ضروری به نظر می‌رسد. انواع داده‌های آنلاین و ضبط‌شده اعم از کتابت، کاریکاتور، فتوشاپ و فیلم و عکس و ایمیل همگی از مصادیق قذف نوین شمرده می‌شوند.

نتیجه‌گیری: در این نوشتار در پرتو قوانین موضوعه خاصه منشور حقوق شهروندی که از حرمت اشخاص حمایت می‌نماید، در زمینه قذف الکترونیکی برآنیم تا ضمن بررسی آرای فقیهان متقدم و معیارهای ارائه‌شده از سوی ایشان در تشخیص قذف، بر این نکته تأکید نماییم که با توجه به تحقق ارکان اصلی قذف، دادن هرگونه نسبت‌های ناروای جنسی در فضای مجازی با رویکردی بر قاعده عدل و احسان و در صورت حصول سایر شرایط موجب ثبوت حد قذف است.

واژگان کلیدی: عدل؛ احسان؛ قذف الکترونیکی؛ حرمت اشخاص؛ حقوق شهروندی؛ قذف سنتی؛ ظهور عرفی

مقدمه

در مواد ۱۲ و ۸ منشور حقوق شهروندی به حفظ حرمت اشخاص توجه ویژه‌ای شده است. حفظ حرمت اشخاص در سیستم اجتماعی امروز از مهم‌ترین دستاوردهای حکومت اسلامی است که در منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ پیش‌بینی گردیده است و شریعت مبین اسلام تأکید فراوان در زمینه حفظ حیثیت فردی و اجتماعی افراد دارد و یکی از جرائم بسیار خطرناکی که اسلام به مقابله با آن پرداخته است، دادن نسبت‌های ناروای جنسی در منظر دیگران است که اصطلاحاً قذف نامیده می‌شود. احکام شرعی اسلام برای قذف کنندگان مجازات سنگین حد را در نظر گرفته است. دامنه تحولات سیستم‌های رایانه‌ای و به وجود آمدن سایت‌های گوناگون و پخش تصاویر و فیلم‌ها و ایمیل‌ها به طور مکرر می‌تواند نسبت به حرمت شکنی اشخاص و زیر پانهادن حقوق شهروندان و ایراد قذف تحت اشکال موصوف باعث ایجاد صدمات جبران‌ناپذیری به حیثیت و آبروی شهروندان گردد. قاعده عدل و احسان از مهم‌ترین قواعد حقوقی اسلام است که به جنبه‌های فراگیر یک جرم در تمامی ابعاد آن از جمله مقتضیات زمان، عرف، شرایط فردی و اجتماعی، شرایط مجرم، زمان اجرای حکم، قاعده درء و توبه توجه دارد، لذا به نظر می‌رسد آثار جرم قذف الکترونیکی در فضای مجازی دارای پیامدهایی غیر قابل جبران است که بررسی آن در مقایسه با قذف سنتی ماهیت برخورد شارع مقدس را پیش از پیش نمایان می‌سازد و تبعات چنین فعلی در جامعه به نحوی است که می‌بایست قانونگذار نسبت به آن واکنش متناسب مبتنی بر فقه پویا نشان دهد. سؤال اساسی در این مقاله این است که آثار و تبعات قذف الکترونیکی با رویکرد بر قاعده عدل و احسان چیست؟ مقایسه ارکان قذف سنتی با قذف الکترونیکی چه پیامدهایی را منتج می‌شود؟ از جمله آثار و تبعات قذف الکترونیکی به شیوه نوین می‌توان به حرمت‌شکنی افراد از طریق نسبت‌های ناروای جنسی که اثرات جبران‌ناپذیری برای فرد و شهروندان به همراه داشته است، اشاره نمود. مقایسه ارکان قذف سنتی و الکترونیکی سبب می‌گردد قانونگذار را مجاب نماید تا نسبت به تشدید مجازات مرتکبین قذف در

فضای مجازی اقدام نماید و قذف الکترونیکی را مستوجب حد بشناسد و ضمن حفظ حقوق آحاد اجتماع باعث ایجاد مصونیت حیثیت افراد در فضای مجازی را فراهم نماید تا به سادگی مورد هجمه واقع نگردد.

۱- مقایسه یافته‌های تحقیق با مطالعات مشابه

یافته‌های تحقیق در مقایسه با تحقیقات مشابه نشان می‌دهد که دامنه تحولات فضای مجازی و گسترش روزافزون حرمت‌شکنی افراد از طریق نسبت‌های ناروای جنسی اثرات جبران‌ناپذیری برای فرد و شهروندان به همراه داشته است و از منظر محققین این امر مغفول مانده است و نگارنده سعی در پوشش این بعد از کاستی‌های تحقیقاتی دارد، ضمن این‌که جنبه عمومی جرم قذف الکترونیکی قابل تعقیب کیفری است و رضایت مقذوف و توبه تأثیری در آن ندارد و مدعی‌العموم باید به جرائم قذف الکترونیکی تحت هر شکل و عنوان ورود نموده و قاذف مورد تعقیب کیفری قرار گیرد.

۲- اهداف تحقیق با عنایت به مطالعات قبلی

با عنایت به پیشینه‌ای که در سوابق تحقیق مطالعه شد، در خصوص مصادیق نوین قذف و آثار آن با وحدت ملاک از منشور حقوق شهروندی در راستای حمایت از حرمت اشخاص تحقیقی که به صورت جامع و مانع تمام ابعاد موضوع را مورد مطالعه قرار داده باشد، یافت نشد، لذا هدف ما در این تحقیق پوشش نقص تحقیقاتی در خصوص مصادیق نوین قذف و آثار با تأسی از یافته‌های منشور حقوق شهروندی می‌باشد.

۳- محدودیت‌های تحقیق

محدودیت‌هایی که ما در این تحقیق با آن‌ها رو به رو بودیم، با عنایت به چندجنبه‌ای بودن موضوع دسترسی به پرونده‌های قضایی از جمله محدودیت‌های تحقیق می‌باشد.

۴- اهداف پژوهش

هدف کلی از انجام این پژوهش مقایسه مصادیق نوین قذف در فضای مجازی با آنچه که به عنوان مصادیق قذف سنتی شناخته می‌شود، در پرتو منشور حقوق شهروندی و بررسی آثار آن با رویکردی بر قاعده عدل و احسان که مشتمل بر تمام ابعاد آثار جرم قذف است، می‌باشد. اهداف جزئی آن بررسی مقایسه ارکان قذف سنتی و قذف الکترونیکی و

مداخلیت عناصر مقتضیات زمان و عرف و بحث توبه و قاعده درء است. اهداف کاربردی این پژوهش با توجه به گسترش روزافزون ارتباطات اجتماعی حفظ حرمت افراد از انواع مصادیق نوین قذف در فضای مجازی و ایجاد مصونیت برای آحاد اجتماع از این گونه تعرض‌ها می‌باشد.

۵- پیشینه پژوهش

سیدهاشم بطحایی گلیپایگانی (۱۳۸۲ ش.) در مقاله‌ای تحت عنوان «قذف از دیدگاه کتاب و سنت» به این نتیجه رسیده است که «قذف از کلماتی است که از بار خطرناکی برخوردار است و اصولاً در مقام لکه‌دارکردن افراد به کار می‌رود و از این جهت اسلام که حافظ منافع حقوقی و مدافع شخص و شخصیت افراد مظلوم می‌باشد، با شرایطی برای قاذف به عنوان مجرم و بزه‌کار جریمه تعیین کرده است که همان حد باشد، البته قذف گذشته از حکم حقوقی که ضمن تنبیه بزه‌کار موقعیت بازدارندگی دارد، دارای حکم تکلیفی و وضعی نیز می‌باشد که هر کدام در جای خود نقش خود را ایفا می‌کنند. قذف به دلیل خدشه و لطمه‌ای که بر مقدوف وارد می‌کند، برای وی ایجاد حق می‌نماید و او می‌تواند با مراجعه به محاکم قضایی تقاضای تنبیه قاذف را نماید و حاکم وظیفه دارد که قاذف را احضار نماید و از او استنطاق کند، اگر وی در قذف صادق بود، مقدوف مدیون می‌گردد و الا قاذف هشتاد تازیانه حد می‌خورد و در صورت عدم استیفا حق و مرگ مقدوف، حد به عنوان یک حق انسانی به ورثه او منتقل می‌گردد، منتها ارث بری حد قذف مانند امور مالی نیست که مراتب قرب و بعد ورثه در آن لحاظ گردد، بلکه هر کس از اقربا در هر مرتبه‌ای از مراتب قرار گرفته باشد، می‌تواند استیفای حد از قاذف بنماید.»

سیدمحمد قاضی مرعشی (۱۳۹۵ ش.) در مقاله‌ای تحت عنوان «واکاوی عنصر مادی و معنوی قذف در فضای مجازی» به این نتیجه رسیده است که «بحث قذف از موضوعات قابل توجه و مهم اخلاقی و قرآنی است که مربوط به حیثیت و آبروی انسان می‌شود و مرتکب قذف مستحق حد و عدم قبول شهادت وی می‌باشد، لذا مفسرین و فقهای عظام پیرامون معنا و احکام و شرایط آن مباحث فراوانی را بیان نموده‌اند، ولی با

توجه به توسعه وسائل ارتباطی و رسانه‌ای و فضای مجازی جا دارد در مورد عنصر مادی تحقق قذف بازنگری شود. ابتدا نظرات دانشمندان لغت را بررسی کرده و سپس آرای فقها را مورد کاوش قرار داده‌ایم و ضمن بررسی قوانین مدنی و مجازات اسلامی درصدد تبیین دقیق عنصر مادی قذف برآمده‌ایم و در پایان، نتایج حاصل از پژوهش به این اشاره دارد که عنصر مادی قذف اعم از کلام و نوشتار است و شامل هرگونه عکس و فیلم و وسیله ارتباطی و رسانه‌ای می‌شود و احراز قصد در کلام ضروری است، ولی در فیلم و عکس احراز عدم قصد ضروری است و این مسأله تأثیر زیادی در تدوین صحیح قوانین جزایی و کیفری مربوطه و صدور حکم در محاکم قضایی دارد.»

مواد و روش‌ها

پژوهش پیش رو به صورت توصیفی - تحلیلی به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از مطالعه تطبیقی کتب فقهی و حقوقی تدوین گردیده است.

۱- تعاریف و مفاهیم

۱-۱- **معنای اصطلاحی عدل:** عدل عبارت است از هر چیزی که در ذهن مردم درست، مستقیم و راست باشد و در مقابل جور قرار دارد (۱). در لغتنامه دهخدا عدل، در مقابل ستم، مقابل بیداد، داد (۲). مقابل جور، ضد جور، نقیض جور، مقابل ظلم، نصفت، قسط، عدالت، انصاف، امری بین افراط و تفریط قرار می‌گیرد (۳).

در اصطلاح عدل عبارت است از وضع و قراردادن هر شیء در جایگاه مناسب آن عدل در موارد مختلف به کار می‌رود، در مورد کارهای انسان استعمال می‌شود و خداوند هم متصف به عدل می‌شود و آنچه مورد پرسش قرار گرفته، عدل خداوند است و در روایتی از امیرالمؤمنین علی (ع) آمده است: عدالت عبارت است از وضع و قراردادن هر شیء در جایگاه مناسب آن (۴).

افراد بشر، فردی از نوع خود را که نسبت به دیگران قصد سویی ندارد، به حقوق آن‌ها تجاوز نمی‌کند، هیچ‌گونه تبعیضی میان افراد قائل نمی‌گردد، در آنچه مربوط به حوزه حکومت و اداره او است با نهایت بی‌طرفی به همه به یک چشم نگاه

جامعه با برخورداری از حقوق و پذیرش تکالیف در قبال حکومت، انتظارات متقابلی را از دولت برای احقاق حقوق خود، به ویژه در بعد خدمات در بحث ما، حق برخورداری از حفظ حرمت اشخاص می‌باشد.

ماده ۱ قانون مقرر می‌دارد: «آیین دادرسی کیفری، مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی‌گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه، وضع می‌شود.»

اگرچه این تعریف جامع نیست، با این حال، تأکید به رعایت حقوق متهم در اولین ماده و تعریف قانون، نشانگر اهمیت توجه قانونگذار، به حقوق فرد شهروند است که در جایگاه متهم، به عنوان طرف اصلی و مهم دادرسی‌های جزایی، قرار دارد، زیرا به قول استاد برجسته آیین دادرسی کیفری، مرحوم پروفسور آخوندی، «تمام ماجراهای غم‌انگیز دادرسی‌های جزایی به خاطر انسان نگون‌بختی است که متهم نامیده می‌شود و به حق یا ناحق مورد تعقیب قرار گرفته و آبرو، شرف، حیثیت، آزادی و حتی حیات او در معرض نابودی است» (۸).

۲- قاعده‌انگاری عدل و احسان

توجه به عدالت در آموزه‌ها و قوانین اسلامی نقش والایی دارد، به نحوی که موجب بقای نظام حقوقی و دینی می‌شود. قرآن کریم نیز از انسان‌ها خواسته تا در هنگام صدور حکم و ایجاد قوانین به عدالت گام بردارند: «إذا حکمت بین الناس ان تحکمو بالعدل» از چنین سیستم قانونگذاری که شارع آن، عادل مطلق است و مسأله عدالت را از اصلی‌ترین مسائل زندگی بشر به شمار آورده است، از سوی دیگر عدالت مستلزم احسان و فضل نیز می‌باشد. در تمام شؤونات زندگی مسأله عدل و احسان توأمان قابل طرح است، از شیوه حکومت گرفته تا مسائل خانوادگی همه در پرتو این قاعده بسیار حیاتی قرار می‌گیرند و در مسائل قضایی و کیفری نیز جزء لاینفک موفقیت سیستم قضایی محسوب می‌شود که باید به طور جدی مورد ملاحظه قرار بگیرد. برای مثال در مورد کیفری چون زنا عدل و احسان توأمان به کار می‌روند. احسان و عدل

می‌کند، در مناقشات و اختلافات افراد دیگر، طرفدار مظلوم و دشمن ظالم است؛ چنین کسی را دارای نوعی از کمال، یعنی عدالت می‌دانیم و روش او را قابل تحسین می‌شماریم و خود او را «عادل» می‌دانیم (۵).

در مقابل، فردی را که نسبت به حقوق دیگران تجاوز می‌کند، در حوزه قدرت میان افراد تبعیض قائل می‌شود، طرفدار ستمگران و ستمکشان است، چنین کسی را دارای نوعی نقص به نام «ظلم» و ستمگری می‌دانیم و خود او را «ظالم» می‌خوانیم و روش او را لایق «تعقیب» می‌شماریم. از این رو می‌توان گفت عدل در اصطلاح، به معنای نگریستن با انصاف کامل در رعایت حقوق ظالم و مظلوم است. توانایی تمیز عادل از ظالم و قراردادن حق در سر جای خودش، عدل محسوب می‌شود.

۲-۱- معنای اصطلاحی احسان: احسان به معنای این

است که خیری را با خیری بهتر از آن جبران کنی و شری را به شری کم‌تر از آن پاسخ بگویی (۶). خداوند در آیه ۹۰ سوره نحل، عدل را همنشین احسان می‌آورد، یعنی احسان به همراه عدل معنای خاصی می‌یابد و این حکم را از مهم‌ترین احکام جامعه بشری معرفی می‌فرماید که اجتماع بشری با آن استوار است، لذا بلافاصله پس از کلمه عدل، کلمه احسان را می‌آورد.

۳-۱- معنای اصطلاحی قذف: در اصطلاح به معنی

انتساب زنا یا لواط به دیگری است، صاحب مبانی تکمله المنهاج معتقد است که قذف «به معنی نسبت‌دادن زنا یا لواط است، مانند آنکه کسی به دیگری بگوید تو زنا کردی یا تو زناکار هستی یا تو مرتکب لواط شدی یا لفظی که بر این معانی دلالت کن» (۷).

قذف در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران جرم‌انگاری شده است. فقهای شیعه به طور اجماع بر اساس آیه ۴ سوره نور قذف‌کننده را مستحق مجازات، به میزان هشتاد ضربه شلاق دانسته‌اند (۸).

۴-۱- مفهوم حقوق شهروندی: هرچند حقوق شهروندی،

مفهوم نسبتاً وسیعی دارد و مشکل است بتوان تعریف جامع و مانعی از آن ارائه داد، ولی در یک تعریف کلی، می‌توان گفت: «حقوق شهروندی موقعیتی است اجتماعی و انسانی که افراد

در مورد حد زنا در اسلام تا جایی است که اثبات شود. حد زنا در صورتی اجرا می‌شود که عمل زنا در دادگاه صالحه ثابت شده باشد و اگر در دادگاه ثابت نشود یا قبل از اثبات آن زانی واقعاً بین خود و خدای خود توبه کرده باشد، حدی بر او جاری نمی‌شود (۹). بنابراین وجود عدل و احسان را در مورد این حد مشاهده می‌کنیم که کاملاً منصفانه و قانونی نیز می‌باشد. خداوند بارها در قرآن مجید وعده غفران به تائبان داده، حتی گناهکاران را فرمان به مأیوس نشدن از رحمت خویش داده است خداوند در سوره زمر آیه ۵۳ می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا؛ ای پیامبر! به بندگان گناهکار و اسرافکار بر نفسشان بگو که نباید از رحمت خداوند مأیوس شوید. آری خداوند تمامی گناهکاران را خواهد بخشید» یا در مورد کیفر لواط آمده است، اما عدل احسان خداوند بسیار است و فرموده است: حد از لواط‌کننده، در صورت توبه و اصلاح خود، ساقط می‌شود. «وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمُ فَاذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا؛ و از میان شما، آن مردان و زنانی که (همسر ندارند، و) مرتکب آن کار (زشت) می‌شوند، آن‌ها را آزار دهید (و حد بر آنان جاری نمایید)! و اگر توبه کنند و (خود را) اصلاح نمایند، (و به جبران گذشته بپردازند،) از آن‌ها درگذرید، زیرا خداوند، توبه‌پذیر و مهربان است.» شرط پذیرش هم این است که اگر آن‌ها به راستی توبه کنند و خود را اصلاح نمایند و به جبران گذشته بپردازند، از مجازات آن‌ها صرف نظر کنید، زیرا خداوند توبه‌پذیر و مهربان است. عدل و احسان توأمان به معنی در نظر گرفتن تمامی جهات فردی و اجتماعی برای اجرای مجازات است. این جهات عبارتند از مقتضیات زمان، عرف، شرایط فردی، شرایط اجتماعی، شرایط مجرم، سابقه کیفری، پرونده شخصیت، زمان اجرای حکم، قاعده درء، احراز توبه. بدون در نظر گرفتن موارد فوق اجرای مجازات بی‌اثر خواهد بود.

۱-۲- مبانی قاعده عدل و احسان: قاعده احسان از

جمله قواعد مهم فقهی به شمار می‌آید و کاربرد فراوانی در فقه اسلامی به خصوص در بحث سیستم جزایی اسلام نیز دارد. اولین مبنای قاعده عدل و احسان آیه ۹۰ سوره نحل

می‌باشد که خداوند عدل و احسان را به طور توأمان مطرح فرموده است. حضرت علی نیز در پاسخ به این مسأله می‌فرماید: «ان الله يأمر بالعدل و الإحسان»؛ خداوند دستور می‌دهد به دادگری و نیکوکاری و فرمود: مقصود از عدل، انصاف و میانه‌روی و از احسان، لطف و مهربانی است. در فقه اسلامی این دو قاعده توأمان هستند و جدای از یکدیگر نیستند. در واقع عدل در اسلام می‌طلبد که احسان را به همراه داشته باشد و در مورد مجازات‌های اسلامی چه حدی و چه تعزیری این قاعده رعایت گردد.

حجت‌الاسلام قرائتی در تفسیر این آیه معتقدند: این آیه منشور جهانی اسلام است که امام باقر (ع) آن را در خطبه‌های نماز جمعه می‌خواندند و به گفته فیض کاشانی در تفسیر صافی، اگر در قرآن همین یک آیه بود، کافی بود که بگوییم: قرآن، «تبیان کل شیء» است، اوامر و نواهی این آیه در همه ادیان بوده و هرگز نسخ نشده است. از این رو خداوندی که انسان‌ها را به عدل و احسان دعوت می‌کند، می‌شود که خود عادل نباشد! «ان الله يأمر بالعدل و الاحسان» (۱۰).

حکمت ۲۳۱ نهج‌البلاغه به صورت ویژه به مسأله توأمان بودن عدل و احسان می‌پردازد. در این حکمت تدبیر و تفکر امام در کلام خداوند که می‌فرمایند همانا به عدل و احسان دستور داده‌اند را مشاهده می‌کنیم. «و قَالَ (ع) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ: الْعَدْلُ الْإِنْصَافُ وَ الْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ»

این تفسیر نیز از سوی گروهی عنوان شده که عدالت مربوط به جنبه‌های عملی و احسان مربوط به جنبه‌های گفتاری است، ولی از همه این تفسیرها بهتر همان است که در کلام امام (ع) آمده که عدل را به معنای انصاف تفسیر فرموده، زیرا رعایت انصاف آن است که حق کسی را به او بپردازند و به نظر می‌رسد که این واژه از ماده «نصف» گرفته شده، زیرا هرگاه انسان در حقوق مشترک آن را تنصیف کند، رعایت عدالت را به طور کامل کرده است. سپس این واژه به معنای هرگونه عدالت آمده است. «احسان» همان‌گونه که از مفهوم آن استفاده می‌شود، نیکی کردن به دیگران است و این نیکی همان تفضل است که امام (ع) در کلام بالا فرموده است. بدون

شک برقرارشدن نظم جامعه انسانی بدون عدل و انصاف و احسان و تفضل امکان پذیر نیست.

۳- جرم انگاری قذف سنتی در فقه

۱-۳- قرآن: آیه ۹۰ سوره نحل بیانگر این مسأله است که دستور اساسی خداوند در سفارش به انسان رعایت عدل و احسان است آنجا که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ» از این رو احسان رکن اساسی حقوق و قوانین اسلامی محسوب می شود. قذف یکی از جرائم حدی است که در شریعت اسلام مجازات حد برای آن تعیین گردیده است، خداوند متعال در قرآن کریم در آیه چهارم از سوره نور می فرماید: «وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ و کسانی که به زنان پاک دامن نسبت زنا می دهند و سپس برای اثبات ادعای خویش چهار شاهد نمی آورند، پس آنان را ۸۰ ضربه شلاق بزنید و هرگز شهادت آنان را نپذیرید و آنان فاسق اند.»

در آیه دیگری خداوند می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ کسانی که به زنان پاک دامن و بی خبر (از آلودگی) مؤمن (بی گناه) نسبت زنا می دهند، در دنیا و آخرت لعنت شده اند و برای آنان عذابی بزرگ است.» مراد از غافلات زنانی هستند که از زنا بی خبرند، لذا کسانی که به زنان مؤمن و عفیف و بی خبر از گناه نسبت زنا می دهند، در دنیا و آخرت مورد لعنت خداوند قرار می گیرند.

در روایتی از امام رضا (ع) آمده است علت مجازات قذف کننده این است که قذف موجب نفی ولد قطع نسل و از بین رفتن نسب می شود (۱۱).

۲-۳- سنت: صاحب اسس الحدود و التعزیرات نسبت به وجوب حد قذف در نسبت دادن به زنا و لواط ادعای عدم اختلاف نموده و مستند آن را در انتساب به زنا، آیه شریفه و در انتساب به لواط، حدیث امیرالمؤمنین (ع) می داند (۱۲). در روایات فراوانی از اهل بیت (ع) موارد جرم انگاری قذف بیان فرموده اند که به عنوان نمونه به دو مورد ذیل اشاره می گردد.

- «محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد و عن علی بن إبراهیم، عن أبيه و عن عدة من أصحابنا، عن سهل ابن زياد جميعا، عن ابن محبوب، عن نعيم بن إبراهیم، عن عباد البصري، عن جعفر بن محمد (ع) قال: إذا قذف الرجل الرجل فقال: إنك تعمل عمل قوم لوط تنكح الرجال، قال: يجلد حد القاذف ثمانين جلدة» (۱۱).

- «وبالإسناد عن ابن محبوب، عن عباد بن صهيب، عن أبي عبد الله (ع)، قال: سمعته يقول: كان علی (ع) يقول: إذا قال الرجل للرجل يا معفوج، یا منكوح فی دبره، فان عليه حد القاذف» (۱۱).

۳-۳- اجماع فقها: به دلیل آیه ۴ سوره نور که قبلاً مذکور شد، فقهاء امامیه و اهل عامه به اجماع آن را مشمول ۸۰ تازیانه می دانند (۱۳).

۴- ارکان قذف سنتی

چهار رکن قذف سنتی عبارتند از:

- قذف باید صریح و بدون ابهام باشد: اگرچه در قذف لفظ خاصی شرط نیست، اما الفاظی که برای انتساب قذف به کار می رود، باید صریح و بدون ابهام باشد، یعنی در انتساب زنا یا لواط دارای ظهور قابل اعتماد باشد. امام خمینی (ره) می فرماید: «در قذف شرط است که لفظ صریح باشد یا ظهوری قابل اعتماد داشته باشد» (۹).

نکته قابل توجه آن است که در قذف تعریض به قذف مانند آنکه بگوید «الحمد لله ما زنا زاده نیستیم» کنایه از این که مخاطبش زنا زاده است، این عبارت به قول فقها موجب قذف نمی شود. شیخ طوسی به این معنا اشاره می کند: «التعريض بالقذف ليس بقذف، مثل أن يقول: لست بزان و لا أُمي زائيه و كقوله يا حلال بن الحلال و نحو هذا كله، ليس بقذف» (۱۴).

- نسبت دهنده به معنای لفظ آگاه باشد: از شرایط مهم قذف آن است که نسبت دهنده به معنای آن لفظی که می گوید آگاه باشد، یعنی از کلماتی استفاده کند که صراحت بر انتساب زنا یا لواط داشته باشد، در حقیقت باید قصد انتساب به آن فرد را داشته باشد، در حالی که قذف شونده به معنای آن کلام آگاهی نداشته باشد، تأثیری در انتساب به قذف ندارد، همچنانکه شهید اول می گوید: «و اگر قائل، معنای لفظ را اصلاً

نداند چیزی بر او نیست: «ولو لم يعلم فائدها الصلاً فلا شيء» (۱۵).

- نسبت‌دهنده قصد انتساب داشته باشد: از شرایط مهم قذف آن است که نسبت‌دهنده به طور جدی قصد انتساب زنا یا لواط داشته باشد و بخواهد خبری را بدهد که حاکی از ارتکاب زنا یا لواط توسط شخص دیگری است، نکته حائز اهمیت آن است که این ویژگی قذف را از فحاشی جدا می‌کند، چون ماهیت قذف خبر است، ولی ماهیت فحاشی انشا است و قابلیت صدق و کذب ندارد و قصد انتساب نیز در آن نیست صاحب جواهر الکلام در این باره می‌فرماید: «و کذا يعتبر فيه أيضا القصد، ضرورة عدم شيء على غير القاصد كالساهی و الغافل و النائم و على كل حال فلا حد و لا تعزیر علی غیر القاصد».

و همچنین در قذف، قصد شرط است، چون مسلم است که مسؤولیتی بر غیر قاصد مانند ساهی و غافل و نائم نیست و در هر صورت حد و تعزیری بر غیر قاصد نیست (۱۳) «و کذا يعتبر فيه ايضا القصد، ضرورة عدم شيء على غير القاصد كالساهی و الغافل و النائم، و على كل حال فلا حد ولا تعزیر علی غیر القاصد».

چند نکته در اینجا قابل توجه است:

- شرایط قاذف: صاحب جواهر معتقد است شرط اول بلوغ است و در این مسأله اجماع محصل و منقول وجود دارد که در قذف بلوغ و کمال عقل معتبر است و اگر بچه قذف نموده حد بر او جاری نمی‌گردد، زیرا قلم از او برداشته شده است. مستند به روایت مشهور نبوی «رفع القلم عن ثلاثة عن النائم حتى يستقظ و عن المجنون حتى يفيق و عن الطفل حتى يحتلم؛ از سه دسته قلم برداشته شده است از انسان خواب تا زمانی که بیدار نشده است، از مجنون تا هنگامی که بهبود نیافته است، از کودک تا زمانی که به بلوغ نرسیده است» (۱۳)؛ شرط دوم کمال عقل است، لذا مجنون ادواری و اطباقی در صورت جنون معاف از مسؤولیت جزایی‌اند، شرط سوم: قصد است بنابراین افراد ساهی و غافل و نائم فاقد مسؤولیت جزایی‌اند، به خلاف انسان مست که بنا بر روایت از امیرالمؤمنین که فرمودند اگر مست بود و قذف کرده و دیگری را آزار داده و افترا بسته حد افترا زننده هشتاد ضربه تازیانه است (۱۶)؛ شرط چهارم اختیار

است، یعنی بر فرد مکره حد قذف جاری نمی‌شود؛ شرط پنجم حریت یا عدم حریت است که در زمان کنونی مطرح نیست.

- شرایط مقذوف: بنا بر قول صاحب جواهر در قذف «احصان» شرط است و منظور از احصان در اینجا بلوغ و کمال عقل و حریت و اسلام و عفت است بدون هیچ اختلافی بین فقها که قانونگذار نیز در ماده ۲۵۱ ق.م.ا به آن اشاره نموده است که قذف در صورتی موجب حد می‌گردد که قذف‌شونده در هنگام قذف بالغ، عاقل، مسلمان، معین و غیر متظاهر به زنا یا لواط باشد.

شهید ثانی در شرح لمعه نیز به این شرایط اشاره می‌کند که باید این ۵ صفت در مقذوف جمع شود تا قاذف حد بخورد (۱۵). نکته جالبی که شهید ثانی اشاره می‌کند آن است که اگر به کافری که مادرش مسلمان است، نسبت زنا بدهد، به خاطر قذف مادر او حد می‌خورد (۱۶).

به نظر می‌رسد در شرایط مقذوف باید به جهت حرمت اشخاص و صیانت آبروی فردی و اجتماعی قائل به حذف شرط اسلام برای فرد شد، مگر کافر حربی باشد، زیرا انسان بما هو انسان دارای کرامت است و در جامعه امروزی با توجه به مقتضیات زمان و مسأله حقوق بشر بتوان این امر را اثبات نمود.

- قاذف نباید پدر یا جد (۱۸) یا مادر یا جده وی باشد (۱۹).

از نظر فقهای امامیه اگر پدری فرزندش قذف کند، در این صورت پدر حد زده نمی‌شود (۲۰)، زیرا اولاً اصل بر برائت پدر از مجازات است؛ ثانیاً دلیل داریم که اگر پدر فرزندش را بکشد مجازات نخواهد شد، اما اگر فرزند پدرش را قذف کند یا مادر فرزندش را قذف بنماید، در این صورت حد زده می‌شود.

۵- ادله اثبات قذف سنتی و کیفر آن

ادله اثبات قذف مانند سایر حدود شهادت و اقرار است.

۱-۵- شهادت: فقها اعم از اهل سنت و امامیه متفق القول هستند که یکی از راه‌های ثبوت قذف شهادت دو مرد عادل است (۱۳)، اما حد قذف با شهادت زنان چه به تنهایی و چه همراه با مرد ثابت نمی‌شود، حتی اگر تعدادشان زیاد باشد (۱۷).

۲-۵- اقرار: تمامی مذاهب اسلامی متفق القول

هستند که با اقرار قاذف، حد قذف بر او واجب می‌شود (۱۳).
فقه‌های امامیه اعتقاد دارند که اقراری باعث ثبوت حد می‌شود که حداقل دوبار از سوی انسان مکلف (بالغ و عاقل)، آزاد و مختار انجام شده باشد (۱۳)، اما از فقه‌های مذاهب اسلامی گفته‌های آنان ظاهر می‌شود که اقرار حتی یک بار اگر انجام پذیرد، باعث ثبوت حد قذف بر قاذف می‌شود (۲۱).

۶- مجازات قذف سنتی

حفظ حرمت اشخاص در پیشگاه پروردگار متعال دارای عظمت والایی است تا آنجا که خداوند متعال برای کسانی که مرتکب قذف می‌شوند، دوری از رحمت خود در دنیا و آخرت را و عذاب دردناک روز جزا را برای آنان مقرر می‌نماید. خداوند در سوره نور، آیه ۲۳ می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» همچنین در آیه ۴ سوره نور برای آنان مجازات ۸۰ ضربه تازیانه و همچنین عدم پذیرش شهادت چنین افرادی را تا زمانی که توبه نکرده‌اند و تفسیق آنان را اعلام می‌فرماید «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» و کسانی که زنان پاکدامن و عقیقه را متهم می‌کنند، پس چهار شاهد بر اثبات مدعی خود نمی‌آورند، آنان را هشتاد تازیانه (حدی) بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید و آنان همان فاسقان هستند، مگر کسانی که پس از آن توبه کنند و جبران نمایند، زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است. «این آیه دقیقاً رویکرد عدل و احسان را در بحث مجازات‌ها نمایان می‌سازد، یعنی به طور توأمان هم بحث اجرای مجازات است و هم بحث قبول و پذیرش توبه، یعنی عدل و احسان توأمان. نکته دیگری که باید به آن اشاره نمود، این است که شخصی که جزء فاسقان شمرده می‌شود عملاً مورد تشهیر در فسق قرار گرفته است. به بیان دیگر اثر قذف نه تنها مجازات حدی دارد، بلکه آثار این جرم به قدری در پیشگاه خداوند عظیم است که شخص قاذف شهادتش به هیچ وجه مورد قبول واقع نمی‌شود و وی جزء فاسقان تشهیر می‌شود و این امر نشانگر عظمت حفظ آبرو و

حیثیت دیگران نزد باری تعالی است، زیرا در هیچ جرمی چنین مجازات‌هایی نیامده است.

۷- مصادیق و ارکان نوین قذف الکترونیکی

با بررسی قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ مواد ۱ تا ۵۴ این قانون به عنوان مواد ۷۲۹ تا ۷۸۲ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) با عنوان فصل جرائم رایانه‌ای منظور و شماره ۷۲۹ قانون مجازات به شماره ۷۸۳ اصلاح گردید (نقل از شماره ۱۸۷۴۲-۱۳۸۸/۴/۱۷ روزنامه رسمی) در ماده ۷۴۴ اشاره می‌دارد «هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد و یا تحریف کند و آن را منتشر و یا به علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

تبصره: چنانچه تغییر یا تحریف بصورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد. به نظر می‌رسد قانونگذار تعریف مشخصی از قذف الکترونیکی ارائه نکرده است، لذا با تنقیح مناط و استفاده از ظهور عرفی و صراحت انتساب از تعریف ماده ۲۴۵ ق.م.ا که می‌گوید: «قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر، هرچند مرده باشد» و با استفاده از تبصره ماده ۲۴۶ ق.م.ا که اشاره می‌دارد: «قذف علاوه بر لفظ با نوشتن، هرچند به شیوه الکترونیکی نیز محقق می‌شود.»

قذف الکترونیکی عبارت است: «نسبت دادن زنا یا لواط از طریق داده‌های الکترونیکی اعم از آنلاین و ضبط شده.» نکته قابل ملاحظه آن است که با قبول تئوری وحدت مفهوم و تعدد مصداق و با امعان نظر به تبصره ماده ۲۴۶ ق.م.ا اصل قذف با شیوه الکترونیکی نیز ثابت است، به بیان دیگر نسبت‌های ناروای جنسی در فضای مجازی به شیوه‌های الکترونیکی تحت هر عنوان که باشد از مصادیق قذف به شمار می‌روند. بنابراین با توجه به موارد مذکور به مصادیق نوین قذف می‌پردازم.

۸- تقسیم‌بندی مصادیق قذف نوین

با توجه به گسترش سیستم‌های رایانه‌ای و تنوع مصادیق قذف آن را در دو گروه قرار می‌دهم:

۸-۱- داده‌های الکترونیکی آنلاین: این دسته از داده‌ها

شامل ارتباطاتی است که در فضای مجازی و به دو صورت صوتی و تصویری اعم از عکس و فیلم و کاریکاتور و یا ایمیل و یا در قالب پیام و فتوشاپ قابل تحقق است. در هر یک از این صور با در نظر گرفتن مخاطب خاص می‌تواند قذف رخ دهد. از این نظر، از طریق فضای سایبری نمی‌توان منکر قذف صورت‌گرفته از سوی قاذف شد، مخصوصاً آنکه در این نوع از ارتباط هویت افراد کاملاً قابل شناسایی است و جای شبهه در خصوص شخص مقذوف یا قاذف کم‌تر خواهد بود؛ درباره شیوه اثبات قذف در این مقطع نیز همانند قذف خارج از فضای مجازی مقررات موجود باید اعمال بشود.

۸-۲- داده‌های الکترونیکی ضبط‌شده: این دسته از

داده‌ها که در قالب فایل‌های صوتی و تصویری از پیش تهیه‌شده ممکن است استفاده شود با مشکلات عدیده‌ای در انتساب‌دهی، اثبات قذف و مقررات مربوط به شهادت رو به رو می‌گردد، زیرا وقتی اثری ضبط می‌شود اگر قاذف نام شخص مقذوف را نبرده باشد یا قرینه‌ای در بیانش وجود نداشته باشد که بتواند بین مقذوف و دیگر اشخاص تمییز قائل شد، قطعاً اولین قیدی که برای تحقق قذف باید به آن توجه شود، حاصل نمی‌شود، زیرا تا زمانی که فرد معین نباشد قذف رخ نمی‌دهد و اگر مخاطب شخص قاذف گروهی از افراد باشند با در نظر گرفتن علم اجمالی در خصوص اصل حصول قذف شاید بتوان آن را مصداق بارزی از قذف دانست، ولی قبل از آن باید بتوان شبهه قابلیت مونتاژکردن و میکس و صداگذاری را که امروزه در خصوص فایل‌های صوتی و تصویری ضبط‌شده، عادی تلقی می‌شود، برطرف کرد، چه در غیر این صورت با توجه به قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» دیگر نمی‌توان به اعتبار چنین داده‌هایی علیه قاذف طرح دعوی کرد و تقاضای برقراری عدالت داشت، البته این بدان معنا نیست که فرد فارغ از مجازات است، ولی مجازات حدی نخواهد داشت و مجازات تعزیری به قوت خود باقی خواهد ماند، اما چنانچه داده‌های

مذکور به هر یک از شیوه‌های انتشار اعم از رسانه‌های گروهی اینترنت و سایر موارد منتشر شود، مشمول مصادیق نوین قذف خواهد بود، قاذف مستوجب حد می‌گردد.

۹- ارکان و ادله قذف الکترونیکی

در ذیل به تشریح ارکان (عنصر قانونی قذف الکترونیکی، عنصر مادی قذف الکترونیکی و عنصر معنوی قذف الکترونیکی) و ادله قذف الکترونیکی پرداخته شده است.

۹-۱- ارکان قذف الکترونیکی: در ذیل ارکان قذف

الکترونیکی را که شامل سه رکن قانونی، مادی و معنوی را تفسیر خواهیم نمود.

۹-۱-۱- رکن قانونی قذف الکترونیکی: قانونگذار در تبصره

ماده ۲۴۶ ق.م.ا می‌گوید: قذف علاوه بر لفظ با نوشتن هر چند به شیوه الکترونیکی نیز محقق می‌شود. همچنین در تبصره ماده ۷۴۴ جرائم رایانه‌ای اشاره می‌دارد: «چنانچه تغییر یا تحریف بصورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد»، یعنی به مجازات مندرج در متن ماده ۷۴۴ که می‌گوید: «هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه ای...».

در اینجا برای استحکام‌بخشیدن به ادعای محکومیت قاذف به حد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی استناد می‌کنیم که چنین بیان می‌دارد «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و...» بنابراین نظر فقهاء عظام را در این زمینه اشاره می‌کنیم.

یکی از مسائل نوظهور در بحث قذف آن است که آیا با نوشتن‌های الکترونیکی نیز قذف محقق می‌شود، یعنی شامل نوشته‌های الکترونیکی که حاکی از قذف باشد، تحقق می‌گردد یا خیر؟ چنانچه قذف با مطلق نوشتن محقق بشود فرقی نمی‌کند که این نوشته روی کاغذ و یا در سایت‌های اینترنتی و یا وبلاگ‌ها و صفحات الکترونیکی باشد یا نامه کاغذی باشد یا حتی ایمیل یا پیامک باشد تمامی این مصادیق چنانچه انتساب شخصی را به زنا یا لواط موجب شود، باعث حد قذف خواهد شد، اگرچه نظرات مخالف در این زمینه نیز وجود دارد

آنچه از اطلاق کلام بیشتر فقها مستفاد می‌گردد، این است که نسبت دادن زنا یا لواط به هر وسیله‌ای که باشد محقق می‌شود به خصوص این که همچنانکه در آیه ۴ سوره نور و روایات اشاره گردید، قذف شامل لفظ و غیر لفظ می‌شود و اکثر فقهای معاصر نیز انتساب کتبی زنا و لواط به غیر را قذف می‌دانند در اینجا جهت اثبات نظریه‌ام به نظرات فقهای عظام اشاره می‌کنم: برخی از فقهای معاصر قذف نوشتاری را موجب حد قذف می‌دانند. از آن جمله آیت‌ا... تبریزی در پاسخ به سؤال این که آیا نسبت کتبی زنا به کسی قذف محسوب می‌شود یا خیر؟ می‌فرماید «نسبت زنا به شخص، قذف محسوب می‌شود چه به گفتن باشد یا نوشتن واللّه العالم.» همچنین آیت‌ا... سیستانی می‌فرماید: «آری قذف محسوب می‌شود.» نظر آیت‌ا... صافی گلپایگانی نیز چنین است: «بلی نسبت کتبی نیز در صورت ثبوت، قذف محسوب است واللّه العالم.» آیت‌ا... فاضل لنکرانی معتقد است: «نسبت کتبی زنا که تمام شرایط قذف موجود شود و قصد جدی در کتابت باشد قذف محسوب می‌شود.» نظر آیت‌ا... بهجت نیز چنین است: «اگر معلوم باشد که قصد انشا داشته، حکم قذف را دارد، چون کتابت در معاملات و... عرفیت دارد، البته قدر متیقن در اینجا صورت عجز از تلفظ است که از اشاره اخرس کم‌تر نیست» و در پرسشی که از مراجع عظام به عمل آمده، بیان نموده‌اند که قذف اگر از طریق اینترنت باشد، با داشتن تمام شرایط موجب حد (هشتاد تازیانه) است. آیت‌ا... فاضل لنکرانی: «وسيله دخالت ندارد و قذف با اینترنت هم حکم قذف خارجی را دارد.» آیت‌ا... مکارم شیرازی: «تفاوتی نمی‌کند.» آیت‌ا... صافی گلپایگانی: «تفاوتی در قذف لفظی و کتبی و اینترنتی نیست.» آیت‌ا... شیرازی: «هرچه ظهور در قذف داشته باشد، قذف است.» آیت‌ا... موسوی اردبیلی: «چنانچه با قصد قذف بنویسد، قذف محسوب می‌شود.» آیت‌ا... علوی گرگانی: «در صورت تحقق این نسبت و یقین به آن قذف محسوب می‌شود و وسیله دخالت خاصی ندارد» (۲۲). به نظر می‌رسد بنا بر نظر اکثر فقها، تحقق قذف از طریق سیستم‌های رایانه‌ای مسلم است. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «حد قذف جاری نمی‌شود واللّه العالم» و در خصوص نوشتن و انتساب کتابت برای نسبت

زنا شامل قذف می‌شود یا خیر معتقدند که: «ثبوت حد به کتابت معلوم نیست و الحدود تدرء بالشبهات، ولی اگر موجب استخفاف به غیر است، بدون این که طرف استحقاق داشته باشد، حکم به تعزیر می‌شود.» نظر معظم‌له در مورد اشاره چنین است: «اما در مورد اشاره باید گفت با اشاره، کاریکاتور و امثال آن قذف محقق نمی‌شود، چون هیچ یک از این امور صراحت یا ظهور قابل اعتمادی در انتساب به زنا یا لواط ندارد، در حالی که یکی از شرایط قذف موجب حد، صریح بودن یا دارا بودن ظهور قابل اعتماد آن است» (۲۳).

۲-۱-۹- عنصر مادی: عنصر مادی قذف در حقیقت انتساب زنا یا لواط است، به هر شیوه‌ای که محقق گردد که اتفاقاً در قذف الکترونیکی صراحت انتساب (۷) و ظهور عرفی به طریق اولی وجود دارد و ارتکاز عرفی از تصاویر فتوشاپی و امثال آن کاملاً عمل زنا یا لواط است.

۳-۱-۹- عنصر معنوی: اگرچه به نظر حقوقدانان شرط تحقق این جرم، داشتن انگیزه و قصد و خلاف واقع بودن انتساب مذکور است (۲۴)، اما به نظر می‌رسد در قذف الکترونیکی نمی‌توان به این عنصر واقعی نهاد، زیرا پخش تصاویر منافی عفت توسط قاذف قطعاً وجود داشته است و اطلاق ادله در اثبات قصد و انگیزه وی مبرهن است.

۲-۹- ادله اثبات قذف الکترونیکی: به طور قطع شهادت و اقرار بنا بر آنچه در قذف سنتی مرسوم است، از ادله اثبات قذف الکترونیکی نیز به شمار خواهد رفت، اما به نظر می‌رسد در قذف الکترونیکی صرف پخش داده‌های الکترونیکی اعم از نوشتار یا فیلم یا ایمیل و امثال آن برای اثبات قذف الکترونیکی کفایت می‌کند و صعوبت امر فقط در مسأله شناسایی قاذف خواهد بود.

۱۰- مقایسه قذف سنتی با قذف الکترونیکی

به نظر می‌رسد با استناد به تبصره ماده ۲۴۶ ق.م.ا که اشاره دارد قذف علاوه بر لفظ با نوشتن، هرچند به شیوه الکترونیکی نیز محقق می‌شود، لازم است مهم‌ترین تفاوت‌های قذف سنتی با قذف الکترونیکی مد نظر قرار گیرد تا در پرتو قاعده عدل و احسان توأمان اثر کاربردی آن برای سیستم قضایی بهتر تبیین گردد.

- نحوه ارتکاب: در قذف سنتی بیان الفاظ قذف در فضای حقیقی انجام شده است، اما در قذف الکترونیکی این امر در فضای مجازی شکل گرفته است.

- در قذف سنتی حتماً باید لفظ مورد نظر به کار گرفته شده باشد، در حالی که در قذف الکترونیکی می‌تواند به صورت داده‌های صوتی و یا کتابت و یا کاریکاتور و فیلم و امثال آن شکل گیرد و دامنه آن به مراتب بسیار وسیع‌تر از قذف سنتی است.

- در قذف سنتی اثر ماندگاری الفاظ وجود ندارد، برخلاف قذف الکترونیکی که الفاظ و اشکال به کارگرفته‌شده ماندگاری دارند و این امر می‌تواند آثار سوء فراوانی به دنبال داشته باشد که لازم است قانونگذار به شدت آن را مورد توجه قرار داده و حد را نسبت به قاذف اعمال نماید.

- ارتکاب قذف سنتی نیاز به علم و مهارت خاصی ندارد، اما در قذف الکترونیکی قاذف با علم و مهارت در زمینه رایانه دست به ارتکاب آن می‌زند.

- در قذف سنتی هرگاه متهم قبل از اثبات جرم توبه کند، دادگاه می‌تواند به شرط آنکه توبه با اقرار ثابت نشده باشد، عفو مجرم را توسط رییس قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست کند، اما به نظر می‌رسد در قذف الکترونیکی بحث توبه در هر شرایطی منتفی است

- قذف سنتی با آزار کم‌تری در مقایسه با قذف الکترونیکی نسبت به مقذوف همراه است و شاید در بسیاری از موارد آزار آن قابل مقایسه با قذف سنتی نیست.

- آثار ایجادشده در قذف سنتی به مراتب بسیار کم‌تر از آثار ایجادشده قذف الکترونیکی می‌باشد.

- در ماده ۲۵۵ ق.م.ا مقرر می‌دارد حد قذف حق الناس است و تعقیب و اجرای مجازات منوط به مطالبه مقذوف است. در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله حسب مورد تعقب، رسیدگی و اجرای مجازات متوقف می‌شود. به نظر می‌رسد در قذف الکترونیکی گذشت مقذوف فقط جنبه حد آن را ساقط می‌کند، ولی جنبه عمومی جرم که همانا ایجاد فضای مسموم با ماندگاری طولانی است، باید با عکس‌العمل متناسب مدعی

العموم نسبت به قاذف همراه باشد تا کسی جرأت ارتکاب چنین فعلی را به خود ندهد.

- در قذف سنتی الفاظ در یک برهه زمانی معین ایراد می‌شوند، در حالی که در قذف الکترونیکی ممکن است به صورت داده‌های ضبط‌شده در هر زمانی پخش شوند.

- در قذف سنتی تکرار الفاظ وجود ندارد، اما در قذف الکترونیکی فعل قاذف ممکن است به طور متوالی و یا متناوب پخش گردد.

- به نظر می‌رسد حکم مطالبه خسارات معنوی در قذف سنتی به مراتب کم‌تر از میزان مطالبه خسارات معنوی در قذف الکترونیکی است، زیرا دامنه ایجاد خسارات معنوی در قذف الکترونیکی به مراتب گسترده‌تر و بیشتر است. با نگاهی به اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی که مقرر می‌دارد: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورده، مسؤول جبران آن است» به خوبی لزوم جبران خسارات وارده بر مقذوف معین می‌شود، حتی می‌توان به قسمت انتهایی ماده ۲۵۵ ق.م.ا تمسک جست که می‌گوید «در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله حسب مورد تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات متوقف می‌شود» این گذشت می‌تواند به طور اطلاق به اخذ رضایت از مقذوف در پرتو پرداخت مالی حاصلی شود که فقهای عظام نیز در پاسخ به امکان مصلحه در ضرر و زیان معنوی از نظر احکام شرعی آیا مقذوف می‌تواند رضایت را مبتنی بر دریافت وجه‌المصلحه قرار دهد؟ چنین بیان نموده‌اند: آیت‌ا... سیستمی: ۱- آنچه موجب حق شرعی برای متضرر باشد، مصلحه در رابطه با آن جایز است؛ ۲- مقذوف برای عدم مطالبه حق اجرای حد قذف می‌تواند مطالبه وجه نماید. علوی گرگانی: ۱- اگر این ضرر و زیان موجب تضییع حق از فرد ضرر دیده شود، می‌تواند بابت رضایت از حق خود مصالح کند؛ ۲- شرعاً فرد مقذوف می‌تواند رضایت و عفو خود را منوط به دریافت وجه‌المصلحه کند.

- با توجه به مجازات‌هایی که برای قاذف در قذف سنتی مقرر است که علاوه بر اجرای حد، عدم قبول شهادت و تفسیق و تشهیر قاذف به به دنبال دارد، می‌بایست در مجازات قذف

الکترونیکی شدت بیشتری در مجازات قاذف به جهت دامنه وسیع اثرات جرم مقرر داشت. رویکرد عدل و احسان در اینجا می‌بایست با نظر قاضی محترم علاوه بر رد شهادت و حکم بر تفسیق و تشهیر وی قاذف را از بسیاری از امور اجتماعی محروم نماید، مانند ممنوع‌الخروج نمودن و ممنوعیت ارائه پاسپورت و گذرنامه و ممنوعیت استفاده از خدمات اجتماعی مهم، مانند اخذ دسته چک و حساب بانکی و عدم پذیرش وی به عنوان اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها و مؤسسات تجاری و امر به انجام خدمات اجباری در آسایشگاه‌های روانی و امثال آن و همچنین پرداخت مبلغ قابل توجهی به عنوان خسارت به شخص مقذوف و مبلغ جریمه‌ای قابل توجه در حق صندوق دولت محکوم شود، زیرا جنبه عمومی جرم حتی علی‌رغم رضایت مقذوف کماکان به قوت خود باقی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

دین مبین اسلام برای حفظ حرمت اشخاص و شهروندان ارزش والایی قائل است، به گونه‌ای که حرمت آبروی مسلمان را بالاترین درجه قرار داده است، خداوند به صراحت در آیاتی بر حرمت هتک عرض و آبروی مردم تأکید داشته و هرگونه هتک حرمت و آبروریزی را حرام کرده و جزء گناه کبیره‌ای دانسته که مجازات آن دوزخ و عذاب آن است و منشور حقوق شهروندی نیز با تأسی از یافته‌های قرآنی در موادی نظیر ۸ و ۱۲ به حفظ حرمت اشخاص و لزوم رعایت حقوق شهروندی عنایت داشته است که چنانچه با قذف نمودن حرمت اشخاص شکسته شود، مطابق قوانین موضوعه باید با مرتکب مطابق شرع و قانون مجازات شود تا حرمت شهروندان حفظ گردد.

با رویکردهای توأمان عدل و احسان در بحث قذف الکترونیکی نسبت دادن جرائم جنسی به غیر از الفاظ نه تنها ایجاد آزار بیشتری دارد، بلکه شخصیت طرف مقابل را در اجتماع خرد می‌کند و چهره او را میان دیگر شهروندان خدشه‌دار می‌نماید و ظهور قوی‌تری در اظهار قصد درونی یا رکن معنوی داشته و از نظر عرفی استفاده از کتابت و کاریکاتور و فتوشاپ نماد بیشتری در شرایط قذف دارد و در چنین حالتی باید قاذف را مستوجب حد دانست و این امر در

تبصره ماده ۲۴۶ ق.م.ا قانونگذار آن را تأیید نموده است و این همان جلوه عدل و احسان توأمان در قذف است.

به نظر می‌رسد دامنه تحولات فضای مجازی و گسترش روزافزون حرمت شکنی افراد از طریق نسبت‌های ناروای جنسی اثرات جبران‌ناپذیری برای فرد و شهروندان به همراه دارد و شناخت مصادیق نوین قذف با تکیه بر استفتائات فقه‌های عظام و تبصره ماده ۲۴۶ ق.م.ا و با رویکردی بر قاعده عدل و احسان اشکال مختلف آن را مستوجب حد می‌داند، زیرا جنبه عمومی جرم قذف الکترونیکی قابل تعقیب کیفری است و رضایت مقذوف و توبه تأثیری در آن ندارد و مدعی‌العموم باید به جرائم قذف الکترونیکی تحت هر شکل و عنوان ورود نموده و قاذف مورد تعقیب کیفری قرار گیرد.

پیشنهاد می‌شود:

۱- عدم قبول شهادت و تفسیق و تشهیر قاذف مورد توجه قانونگذار قرار گیرد و تصویر وی در فضای مجازی منعکس گردد.

۲- ورود کاربران به فضای مجازی همراه با شناسایی آنان از طریق اثر انگشت امکان‌پذیر گردد.

۳- مراتب مستوجب حد بودن قاذف در قذف الکترونیکی تحت هر یک از اشکال و مصادیق نوین آن در تبصره ذیل ماده ۲۴۶ ق.م.ا آورده شود.

۴- جنبه عمومی جرم قذف الکترونیکی با مجازات متناسب تبیین گردد.

جدول ۱: جدول تطبیق قذف به صورت سنتی و به صورت الکترونیک

موارد	قذف سنتی	قذف الکترونیکی
نحوه ارتکاب	فضای حقیقی	فضای مجازی
وسیله ارتکاب	لفظ	نوشتار، ایمیل، کاریکاتور، صوت، فیلم (قانونگذار فقط نوشتار را پذیرفته است)
آثار	لحظه‌ای	ماندگار
لوازم	تخصصی نیاز ندارد	تخصص نیاز دارد
پذیرش توبه	قبول به استثنای اقرار	در هر شرایطی منتفی است
میزان خسارت	محدود	نامحدود
اجرای مجازات	منوط به مطالبه مقدوف	جنبه عمومی به قوت خودش باقی است و عکس‌العمل متناسب مدعی‌العموم را می‌طلبد.
زمان ایراد	در برهه زمانی معین	در هر زمانی حتی به صورت داده‌های ضبط‌شده
تکرار	محدود یا ندارد	متناوب یا متوالی
مطالبه خسارت معنوی	محدود	می‌تواند بسیار زیاد باشد.
قذف الکترونیکی در تمامی اشکال آن مستوجب حد است.		

در این جدول مشاهده می‌گردد که قذف در فضای الکترونیکی در تطبیق با فضای سایر از اهمیت بیشتری برخوردار است. فرضاً قذف در فضای سنتی ماندگاری ندارد، اما در فضای الکترونیکی ماندگاری دارد، پذیرش توبه در فضای الکترونیکی پذیرفته نشده است. میزان خسارت در الکترونیکی به صورت نامحدود هست و در خصوص مطالبه خسارت معنوی این امکان وجود دارد که خسارات وارد خیلی زیاد و گاه‌گاه غیر قابل جبران باشد و در نهایت قذف الکترونیکی در تمامی اشکال آن مستوجب حد است.

References

1. Ibn Manzur M. Lisan al-Arab. Corrected by Mir Damadi J. Beirut: Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution; 2012. p.430. [Arabic]
2. Natanzi A. Dustur al-Lugha (The Book of Salvation). Mashhad: Astan Quds Razavi Publications; 2010. p.458. [Arabic]
3. Saffipor A. The end of interest in the Arabic language. Corrected and Commented by Fouadian MH, Hajiyanjanad AR. Tehran: University of Tehran Press; 2014. p.12. [Arabic]
4. Sayyid Razi M. Nahj al-Balaghah. Qom: Al-Hadi; 2008. p.437. [Arabic]
5. Mutahri M. The Justice of God. Tehran: Sadra; 2014. p.47. [Persian]
6. Tabatbay MH. Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Qom: University of Teachers of the Scientific Hawza Qom; 1995. Vol.12 p.476. [Arabic]
7. Khoy SA. Buildings Complementary to the Curriculum. Qom: Establish it by Living the Relics of Imam Khoy; 2016. p.252. [Arabic]
8. Mousavi Ardabili SA. Fiqh al-Hudood wa Ta'irat. Qom: Danshavah Mufid Publishing Corporation; 2015. p.44. [Arabic]
9. Akhundi M. Shanasay Ayin Dadarsi Kifri. Tehran: Andishan Role; 2014. p.129-130. [Persian]
10. Mousavi Khomeini R. Tahrir al-Wasilah. Qom: Founded by Dar al-Ilm Publications; 2018. p.462. [Arabic]
11. Qaraati M. Tafseer Nour. Tehran: Farhangi Darshay Center for Quran; 2008. Part.6 p.89. [Persian]
12. Hor Ameli M. The Shi'a Ways to Collect Sharia Issues, the Investigative Institution and Dissemination of the Knowledge of the People of the House. Qom: Leather; 2017. p.174. [Arabic]
13. Tabrizi J. Basis of Punishment and Refinements. Qom: Musulfa Book; 2015. p.225. [Arabic]
14. Najafi M. Jawaher al-Kalam fi Shari'at al-Islam. Beirut: Dar Al-Hayat Al-Arabi Heritage; 2009. p.429. [Arabic]
15. Tosi M. Al-Mabsut fi al-Imamiyyah Fiqh al-Imamiyyah. Tehran: Al-Murtawiyah Library; 2014. p.18. [Arabic]
16. Amoli M. The Damascene Fiqh Fiqh al-Imamiyya. Translated by Sherwani A, Gharawian M. Qom: Dar al-Fikr; 2012. p.239. [Arabic]
17. Ibn Babuyah J. Gifts in the Origins and Chapters. Qom: Imam Al-Hadi (Peace be upon him) Foundation; 1997. p.293. [Arabic]
18. Jabi Amoli Z. Rawdat al-Bahiya fi Sharh al-Lama al-Dimashqiyya. Qom: Dawari Publications; 1989. p.137. [Arabic]
19. Firozabadi A. Al-Muhadhdhab. Tehran: Kitabkhaneh Majazi Daneshvah; 1964. p.345. [Arabic]
20. Allame Hali H. Rules of Rulings in knowing what is Halal and Forbidden. Qom: Islamic Publishing Foundation; 1992. p.545. [Arabic]
21. Fazehil Hendi M. Unveiling the Litham for the Rules of Ruling. Qom: Islamic Publishing Foundation; 1995. p.412. [Arabic]
22. Jaziri A. Jurisprudence on the Four Schools of Schools and the Doctrine of the People of the House (PBUH). Beirut: Dar al-Thaqalain; 1998. p.218. [Arabic]
23. Irshad Hussaini H, Waziri M. investigate Jurisprudence and Human Rights Rulings slander and slandered Durr Fazai metaphorical. *Journal of Imami Jurisprudence Studies* 2013; 9(1): 101-123. [Persian]
24. Waleedi MS. Huqooq Jizay Specialist. Tehran: Shirkat VA and Published among al-Malal; 2008. p.343. [Persian]